



دکتر مهرداد حلال‌خور
 پژوهشگر روابط بین‌الملل
 استاد مدعو مرکز مطالعات آمریکا

روان رنجوری

شخصیت دونالد ترامپ و شهادت سردار سلیمانی

تحلیل شخصیت دونالد ترامپ در تصمیم‌گیری‌ها

توسط شخص ترامپ صورت گرفت. ترور شهید سلیمانی همواره یکی از سناریوهای آمریکایی‌ها بوده است، اما تاکنون، این تصمیم اتخاذ نشده بود. جدای از تحلیل‌های سیاسی، نظامی، استراتژیک، یک سؤال اساسی در ذهن نقش می‌بندد که اساساً نقش شخصیت ترامپ در انتخاب دستور ترور شهید سلیمانی از میان سناریوهای پاسخ نظامی آمریکا، چه بوده است؟ به نظر می‌رسد که پاسخ به این سؤال دو بخش دارد؛ بخش اول به تحلیل روان‌شناسانه ترامپ می‌پردازد و بخش دوم، به شرایطی که او را به انتخاب دستور ترور شهید سلیمانی سوق داد.

تحلیل شخصیت ترامپ

روانشناسی ترامپ، از جمله مسائلی است که در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در مورد آن، مطالب مختلفی به رشته تحریر درآمده است. با عنایت به این نکته، در این بخش، به بررسی شخصیت ترامپ از منظر روانشناسان می‌پردازیم. در

بوروکراتیک و ساختاری آمریکا شکل می‌گیرد و شخصیت رئیس‌جمهور، همواره در مواردی مهم است که به یکی از سناریوهای طراحی شده توسط این ساختارها وزن بدهد. برای مثال، چند سناریوی مذاکره، حمله نظامی و تحریم روی میز تصمیم‌گیری مطرح می‌شود و رئیس‌جمهور در رایزنی با مشاوران، تصمیم به اقدام در قالب هر یک از این سناریوها می‌پردازد. در خصوص ترامپ، یکی از نگرانی‌هایی که همواره از سوی آمریکایی‌ها مطرح بوده، در خصوص شخصیت ساختارشکن و منحصر به فرد او بوده است، از بدو روی کار آمدن او، همواره روانشناسان و تحلیل‌پردازان بیان می‌داشتند که این رئیس‌جمهور، اختلالات متعدد شخصیتی از خود بروز می‌دهد که می‌تواند، منجر به تصمیمات غلط در سیاست خارجی آمریکا شود. نقش این شخصیت در ترور ناجوانمردانه شهید سلیمانی نیز خود را بروز داد و بنا بر اعلامیه پنتاگون، دستور حمله به سردار سلیمانی

از آنجایی که دونالد ترامپ نقش پررنگی اصلی در ترور شهید سلیمانی داشت. لازم و ضروری است نیم‌نگاهی به شخصیت دونالد ترامپ خصوصاً بعد از دستور ترور شهید سردار سلیمانی داشت. چرا که شخصیت دونالد ترامپ نشان می‌دهد تصمیم‌گیری‌های نسنجیده متعددی داشته است. در واقع شخصیت وی نشانگر این است که سیاست خارجی آمریکا را با نوعی واگرایی رویبرو کرده است و حداقل سیاست راهبردی آنها در قبال ایران را با شکست رویبرو نموده است.

در آمریکا، بر اساس سیستم سیاسی این کشور و قانون اساسی مبتنی بر آن، رئیس‌جمهور، نقش اساسی در تصمیم‌گیری دارد لذا همواره شخصیت رئیس‌جمهور، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی این کشور است. در اکثر موارد، نظروسای جمهور، در قالب طراحی کلان امنیت ملی شکل گرفته، از سوی نهادهای

تحلیل‌های روانشناسی، پنج نوع شخصیت مورد تحلیل قرار می‌گیرند که هر یک، ویژگی‌های خاص خود را دارند. این تیپ‌های شخصیتی عبارت‌اند از:

۱. **برون‌گرایی^۱: معاشرتی، تسلط اجتماعی، شور و شوق داشتن و رفتار پاداش‌طلبانه؛**

۲. **روان رنجوری^۲: اضطراب و تشویش، عدم ثبات عاطفی، تمایلات اندوه‌آور و احساسات منفی؛**

۳. **وجدان‌گرا^۳: قانون‌مدار، پیروی از قواعد، سازمان‌مندی و سخت‌کوشی؛**

۴. **سازگار^۴: مهربانی و خونگرمی، مراقبت از بقیه، دلسوزی، تواضع، فروتنی و نوع‌دوستی؛**

۵. **پذیرا^۵: کنج‌کاو، غیرمعمول بودن، تخیل قوی و پذیرنده ایده‌های نو.^۶**

به نظر می‌رسد، اکثر تحلیل‌های شخصیتی که در رابطه با ترامپ صورت می‌گیرد، در چارچوب این طرح‌واره کلان شخصیتی می‌گنجد. لذا می‌توان اصول شخصیتی زیر را بر اساس نظر روانشناسان، برای ترامپ مطرح کرد:

۱- **برون‌گرایی: ترامپ به لحاظ روانی، به شدت برون‌گرا و بیش‌فعال است که این ویژگی شخصیتی را می‌توان، عامل پرکاری ترامپ دانست. او در کتاب هنر معامله، بیان می‌داشته است که روزهای او، بسیار شلوغ و با جلسات متعدد است و به همین دلیل، بسیار کم می‌خوابد. در طول مبارزات انتخاباتی نیز این تعامل با رسانه و مردم، بسیار جالب بوده است. او در مورد اخبار مختلف تا ساعت ۵ صبح، در حال توثیق بوده که برای هوادارانش، بسیار سرگرم‌کننده بوده است.**

۲- **پاداش‌طلبی: یکی دیگر از ویژگی اصلی تیپ رفتاری ترامپ را می‌توان، در رفتار پاداش‌طلبانه آن‌ها دانست. این پاداش‌ها، می‌توانند دامن‌های احساسات مثبت، رضایت اجتماعی، شهرت و ثروت را در برگیرد. البته هدف از این جلب توجهات، عبارت است از اقناع درونی خود ترامپ، نه اهمیت داشتن مردم برای او.**

۳- **ریاست‌طلبی: ترامپ از لحاظ سازگاری بسیار ضعیف است و این مسئله، موجب می‌شود که او رئیس خوبی برای کارمندان‌اش باشد تا مدیری که نظرات و مشورت‌های مختلف را بپذیرد. در این خصوص، به یک کودک سرطانی اشاره می‌شود که آرزوی او این بود تا از ترامپ، بشنود که اخراج شده است ولی چون ذهنیت ترامپ به اقناع نرسید، برای او، یک چک نوشت تا باقی**

زندگی‌اش را خرج کند. در واقع، بازم هم طبق تمایلات خود رفتار کرد. برای افرادی که در تیپ رفتاری‌شان، سازگاری سطح پایینی دارند، می‌توان ویژگی‌های رفتاری نظیر عاری از احساس و سنگدل، بی‌ادب و گستاخ، خودبزرگ‌بین، متکبر، عدم درک و همدردی با دیگران را مشاهده کرد.

۴- **جنگندگی توأم با خشونت‌طلبی: یکی از ویژگی‌های رفتاری ترامپ، استفاده از خشونت برای حل مسائل است. برای مثال، ترامپ از طرفداران خود می‌خواست که در مقابل معترضان، خشن باشند یا در سخنرانی‌های انتخاباتی خود، کلماتی نظیر حال به هم زن، بازنده یا با مشت به صورت او خواهیم زد، استفاده کرد. در کتاب آمریکای ضعیف نیز ترامپ، بیان داشته که همه چیز در گرو داشتن یک نیروی نظامی قوی است. لذا این تعریف روان‌شناسانه ترامپ، جنگندگی او را با منطق خشونت‌آمیز نشان می‌دهد، امری که در مقایسه چینی‌ها با داعش، در همین کتاب وضوح بیشتری می‌یابد. ترامپ، داعشی‌ها را وحشی‌های قرون وسطی نامید که باید تا آخرین نفر، نابود شوند و بلافاصله بعد از آن، به چین پرداخت و آن را خطری کم‌ترساننده اما به همان مقدار، جنگجو و طالب نزاع در حوزه اقتصاد نامید و بیان داشت که آن‌ها، در حال ضربه زدن مداوم**

1. Extroversion: gregariousness, social dominance, enthusiasm, reward-seeking behavior
2. Neuroticism: anxiety, emotional instability, depressive tendencies, negative emotions
3. Conscientiousness: industriousness, discipline, rule abidance, organization
4. Agreeableness: warmth, care for others, altruism, compassion, modesty
5. Openness: curiosity, unconventionality, imagination, receptivity to new ideas
6. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/06/the-mind-of-donald-trump/480771/>



به آمریکا هستند و آمریکا نیز باید همین کار را متقابلاً انجام دهد.

۵- احساس ناامنی همیشگی: از دید روان شناسانه، ترامپ هرگز درس پدر خود را فراموش نکرد که دنیا، جای امنی نیست، بنابراین باید همواره برای جنگیدن برای حفظ و ارتقاء جایگاه خود در جامعه، آماده بود لذا زمانی که این برداشت به سطح دولت تسری پیدا می‌کند، بدیهی است که استفاده از قدرت سخت در بیان رفتار آمریکا بیشتر شود.

۶- خودشیفتگی: یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری ترامپ که روانشناسان به آن، از منظر اختلال رفتاری نگاه می‌کنند، خودشیفتگی است. براساس آنچه در تحلیل‌های روانشناسی به‌عنوان مثالی از خودشیفتگی او بیان می‌شود، این است که در مراسم ختم پدرش، بیش از آنکه در مورد موضوع مراسم صحبت کند، از خود تعریف می‌کرده است. یا در کتاب خود، بیان داشته که پول، هیچ وقت انگیزه بزرگی برای فعالیت‌های او نبوده بلکه هدف اصلی او، حفظ جایگاه و

معرفی خود به‌عنوان انسانی موفق بوده است. این انگیزه در ترامپ، او را واداشته است تا برای اقتناع نیازهای شخصیتی‌اش، همواره به بزرگ‌نمایی دستاوردهای خود پناه ببرد. این عامل، در نهایت به تلاش برای معرفی چیزهای غیرواقعی به‌عنوان دستاورد، برای ترامپ منجر شد؛ برای مثال، او ادعا کرد که با پوتین، ملاقات داشته درحالی‌که چنین قضیه‌ای قبل از ریاست جمهوری، صحیح نبوده است.^۱

1. <https://www.psychologytoday.com/blog/the-time-cure/201709/the-dangerous-case-donald-trump>

۷- **اقتدارگرایی:** از طرف دیگر، این مدل رفتاری را می‌توان، به نوعی موتور محرک رفتارهای ترامپ دانست. زمانی که او در شرکت تجاری‌اش، مشغول به کار بود، جانشین او بیان کرده بود که او از عصبانیت، دیوانه می‌شود و این شخصیت او است و از این طریق، می‌خواهد تا برتری خود در جامعه را اثبات کند و احترام دیگران را کسب نماید. از این رو، ترامپ مانند شخصیت‌های اقتدارگرا، تلاش می‌کند تا خطری خارجی مانند مسلمانان، مکزیکی‌ها و چیزهای دیگر برای هوادارانش، تعریف نماید و خود را نجات‌دهنده

مردم از دست این خطرهای خارجی معرفی کند.

۸- **عمل‌گرایی و ریسک‌پذیری:** از طرف دیگر، رفتار او توأم با پذیرش نظرات دیگران است، البته از نظر پذیرا بودن، او در رده کلینتون ارزیابی می‌شود؛ عملی که او را از بوش پسر عمل‌گراتر کرد و از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری ۲۰۱۶، غیر ایدئولوژیکی‌تر، دوران‌دیش‌تر و توانمند برای تغییر نظرات و رفتار خود دانست. این عمل‌گرایی و ایجاد تغییر در نظرات، او را ریسک‌پذیرتر از سایر روسای جمهور می‌کند. در رقابت‌های انتخاباتی تغییر نظرات ترامپ نیز بیش از همه نامزدهای

انتخاباتی بود، تقریباً ۷۵٪ افراد معتقد بودند که ادعاهای او، در درجات مختلف درست نیست. این درصد برای تد کروزر، کسبیچ، سندرز و کلینتون، به ترتیب ۶۶٪، ۳۲٪، ۳۱٪ و ۲۹٪ بوده است.^۱

جمع‌بندی شخصیت ترامپ: نتیجه‌ای که تا اینجا از صفات ترامپ، می‌توان داشت، این است که او می‌توان، تصمیم‌گیری آتشین مزاج باشد که در تلاش برای به دست آوردن بهترین، بلندمدت‌ترین، درخشان‌ترین و استثنایی‌ترین نتیجه، صفاتی نظیر سرسختی،

1. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/06/the-mind-of-donald-trump/480771/>



جنگنده بودن، خطر کردن و تصمیمات انفجاری را از خود بروز دهد. در این خصوص، توصیفات کتاب هنر معامله ترامپ، می‌تواند نمونه خوبی از مدل شخصیت او باشد. او در این کتاب، چند شاخصه محوری را برای مدیریت ذکر کرده است؛ اول اینکه بزرگ فکر کنند، از اهرم‌های خود استفاده نمایند و همواره بعد از شکست، دوباره مبارزه کنند، آن‌هم برای به دست آوردن نتیجه. او در این خصوص توصیه می‌کند، زمانی که وارد مذاکره می‌شوید، باید از موضع قدرت وارد شوید و تلاش کنید، تلاش کنید و تلاش کنید تا موفق شوید. این رفتار، یکی از ویژگی‌های بارز تیپ شخصیتی برون‌گرای ترامپ بوده که طرفدار ریسک و پاداش بالا است. او نیز بارها و بارها در تعریف از خود، بیان داشته که او از کودکی، انسان سرسختی بوده است.

شخصیت ترامپ و سیاست خارجی آمریکا

با توجه به ویژگی‌هایی که به لحاظ روانشناسی برای ترامپ، مطرح شد اینکه او از بین پیشنهادهاى وزارت دفاع آمریکا، گزینه ترور سردار سلیمانی را انتخاب کند، امری دور از ذهن نبود و در این خصوص، می‌توان به تأثیر فاکتورهای مختلف شخصیتی او در سیاست خارجی آمریکا اشاره کرد.

□ شخصیت ترامپ همواره در تفاوت و اتخاذ تصمیمات منحصر به فرد و گفتن جملات و کلمات خاص و شیوه رفتاری، متفاوت بوده است. اصولاً او یکی از شیوه‌های دیده شدن خود در رسانه‌ها را در متفاوت عمل کردن، می‌دانسته است. در سیاست خارجی نیز بسیاری از اموری که در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و دنیا، تاکنون انجام نشده بود نیز با تصمیم ترامپ صورت گرفت. بیان کردن باج‌خواهی آمریکا از کشورهای عربی، همراه با تحقیر آن‌ها و اتخاذ تصمیم انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در سطح خاورمیانه و برهم زدن پیمان‌های بین‌المللی، تهدید حتی متحدان به عدم حمایت امنیتی در صورت عدم پرداخت پول آن، نمونه‌هایی از سیاست ترامپ بوده‌اند که علی‌رغم خاص بودن و انجام نشدن توسط روسای جمهور دیگر، از سوی ترامپ انجام شد.

□ ترامپ تاکنون برای تصمیمات خاص خود، نه تنها بها نداده بلکه پاداش نیز دریافت کرده است. کشورهای اروپایی ناتو، مجبور شدند تا سهم خود را از هزینه‌های این پیمان بین‌المللی بدهند. کشورهای عربی نیز باج خود را هم از طریق خرید تسلیحات و هم از طریق باج‌خواهی‌های مکرر ترامپ دادند، کشورهای نظیر کره جنوبی و ژاپن

نیز از این قاعده مستثنا نیستند و آن‌ها نیز پول امنیت خود را به دولت آمریکا دادند. همه این‌ها به مفهوم موفقیت ترامپ، بوده است لذا اصولاً ترامپ برای اتخاذ تصمیمات خاص خود، پاداش دریافت کرده است.

□ بارزترین نمونه عدم توجه او به خواست و نظر دیگران و ریاست‌طلبی و اقتدارگرایی‌اش - که شاید خاص‌ترین تصمیم او در داخل آمریکا نیز باشد - کشیدن دیوار با مکزیک بوده است. با وجود اکثریت داشتن دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان، آن‌ها را نیز با تعطیل کردن دولت، تحت فشار قرارداد تا پول این اقدام ترامپ را بدهند که در نهایت تا حدود زیادی، موفق شد و بخش اعظم این بودجه را از کنگره دریافت کرد. حتی فراتر از این مسائل، او پیشنهاد داد تا این دیوار را به اسم او نام‌گذاری کنند.

ترور شهید سلیمانی مسئله اساسی ترامپ در ترور شهید سلیمانی، این است که سیاست‌هایش در رابطه با ایران شکست خورد. به لحاظ شخصیتی، ترامپ به هیچ‌عنوان پذیرنده شکست نیست و همان‌طور که در شرح شخصیت او، ذکر شده تیپ شخصیتی او به دنبال پیروزی به هر قیمتی است.



□ سیاست تحریم حداکثری او، منجر به فروپاشی اقتصادی ایران نشد؛

□ خروج او از برج‌ام، منجر به مذاکره مجدد ایران در خصوص موضوعات مدنظر او نشد؛

□ ایران، کماکان به عنوان مؤثرترین نیرو در سوریه باقی ماند؛

□ حزب‌الله روزه‌روز حتی در دولت او قوی‌تر شده و در حال بازیابی توان نظامی خود است؛

□ فتراز تمام این مسائل، تمام تلاش‌های آمریکا برای شکل دادن به نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۸ عراق، با مشکل مواجهه شد و دولت نزدیک به ایران، بر سرکار آمد؛

□ ترامپ از میان تمام وعده‌های انتخاباتی‌اش، در عمل به وعده انتخاباتی خود در مذاکره مجدد با ایران موفق نشد. در سایر موارد، ترامپ یا موفقیت کامل یا موفقیت نسبی کسب کرد.

این امر، به مفهوم بن‌بست کامل سیاست خارجی ترامپ در رابطه با ایران است و در چارچوب شخصیت ترامپ، این به مفهوم نامطلوب بودن نظم فعلی و لزوم برهم زدن آن است، زیرا همان‌طور که ذکر شد، او به لحاظ شخصیتی، هیچ‌گاه شکست را نمی‌پذیرد. حال، سؤال این است که این نظم، باید چگونه تغییر کند؟ جواب معلوم است، افزایش تنش با ایران، از طریق زیر پا گذاشتن خطوط قرمزی که تاکنون، روابط

ایران و آمریکا در منطقه خاورمیانه را تنظیم می‌کرده است. ترامپ باید حرکتی انجام می‌داد تا این خطوط قرمز بازطراحی شود. ساده‌ترین هدف، اصلی‌ترین محور و مهم‌ترین فاکتور شکست سیاست‌هایش در منطقه، از سوی او انتخاب شد؛ که هدف قرار دادن سپاه پاسداران. حال، سؤال دیگر این است که چه شخصیتی از سپاه پاسداران؟ جواب مشخص است، برای افزایش تنش، باید مهم‌ترین شخصیت خارجی آن، یعنی سردار سلیمانی را مورد هدف قرارداد.

شاید گزارش وزارت دفاع آمریکا، نقشی اساسی در شناسایی

شخصیت ترامپ، در هدف قرار دادن شهید سلیمانی داشته باشد. در این گزارش، بیان داشت که ترور، مستقیماً به دستور رئیس‌جمهور انجام شده است.

حال، سؤال اساسی‌تر ناظر بر این است که پس از شهادت سردار سلیمانی و پاسخ موشکی ایران، چه اقداماتی باید انجام گیرد؟ روابط ایران و آمریکا، به چه صورت پیش خواهد رفت؟ فهم عمومی روانشناسان از رفتار ترامپ، ناظر بر این مسئله است که او با افرادی که نتواند، شکست دهد، رفاقت، معاشرت یا دوستی برقرار می‌کند و تحسین، احترام یا کلاً حالت

اقدامات آمریکا نباشد و در آن، اثری از ضعف باشد، کشور ایران روی آرامش را نخواهد دید و احتمالاً در قدم‌های بعدی، باید شاهد حمله به خاک ایران و مناطق حساس اقتصادی این کشور باشیم. لذا پیشنهاد می‌شود که دست اندرکاران پاسخ به آمریکا براساس شخصیت

و عربستان دوستی، ضعیف بوده که همواره از سوی ترامپ، تحقیر شده است. لذا در صورتی که پاسخ ایران به شهادت سردار سلیمانی از دید ترامپ، قدرتمندانه تلقی شود، می‌توان به مذاکره، احترام یا هر چیز مثبت دیگری در آینده، امیدوار بود و در صورتی که رفتار ما از دید او، منفعلانه تلقی شود یا متناسب با

مثبت ترامپ، به افراد قدرتمند تعلق می‌گیرد. برعکس شیوه رفتاری ترامپ، تحقیر موجودات ضعیف یا وابسته است و در این خصوص، دوست و دشمن نیز چندان برای او مهم نیست. کره شمالی دشمنی قدرتمند است که ترامپ، بارها و بارها کلمات و جمله‌های عاشقانه در وصف رئیس این کشور ذکر کرده

